

عوامل و عواقب و نتایج هشت جنگ کلاسیک صلیبی در دیدگاه خاورشناسان

• دکتر محمدرضا شهیدی پاک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

هشت جنگ کلاسیک صلیبی دویست سال عامل تحرک شرق و غرب جهان از اروپا تا چین بود. این پدیده مهم قرون وسطا هم‌چنان مهم‌ترین موضوع تاریخی مورداستفاده و سوءاستفاده است و هزاران جنگ به آن نامیده شده است. گزارش این هشت جنگ صلیبی در آثار مورخان شامی، بغدادی معاصر حادثه و مورخان اروپایی بخشی از ادبیات اسلامی و مسیحی و اندلسی در قرون وسطای پسین است. رویکرد جدید خاورشناسان به جنگ‌های صلیبی و تحلیل آن‌ها جایگاه خاصی در مطالعات سده‌های میانه و تاریخ کلیسا و ادیان دارد؛ محرک جنگ اول روح ایمان بود؛ محرک جنگ دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم سیاست، اقتصاد و قدرت بود. جنگ هفتم آغاز پایان جنگ صلیبی بود، جنگ صلیبی هشتم شکست کلاسیک صلیبیون از خلافت تازه‌تأسیس حفصیان و بازگشت ناموفق صلیبی‌ها به خانه بود، این جنگ‌ها باعث جابجایی ثروت و تمدن و نقش اساسی در انتقال تمدن اسلامی به اروپا داشت.

کلیدواژه

پادشاهی حفصیون، سلجوقیان، دولت لاتین، بیت‌المقدس، خط حج، سنت یاقب، فاطمیان، اورشلیم

خاورشناسان، مسأله‌ی ایمان و حج، اقتصاد، کسب قدرت سیاسی، خواسته‌های سیاسی امپراطوری بیزانس و استمرار نزاع تاریخی شرق و غرب و برخورد و جوش خوردن دو صورت بشریت را به عنوان علل جنگ‌های کلاسیک صلیبی مطرح کرده‌اند، بحث در مورد علل این جنگ‌ها همچنان از موضوعات مطرح در جوامع غربی و شرقی است. گروهی از خاورشناسان، جنگ‌های صلیبی را در چهارچوب نزاع خاموش نشدنی شرق و غرب و موج ضدسامی (لوگوف، اروپا مولود قرون وسطی، ۳۹۵) بررسی کرده‌اند، و اجتماع ۱۰۹۵ را استمرار اندیشه‌ی پان‌هلنسیم و شبیه به کنگره‌ی کورنت در ۳۳۶ ق.م دانسته‌اند (گروسه، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ص ۷)؛ سلسله جنگ‌های طولانی ایران با روم و یونان بخشی از تاریخ نزاع شرق و غرب است؛ که به شکل واضحی از جنگ‌های سیاسی تبدیل به جنگ‌های مذهبی شد، زیرا همواره سلطه بر بیت‌المقدس عامل اصلی نبرد شرق و غرب بود. موضوع بخشی از نبردهای ایران و روم و بیزانس به هجوم متقابل آن‌ها به اماکن مقدس اختصاص دارد؛ به‌ویژه سوگیری فزاینده‌ی دربار بیزانس از اواخر سده‌ی ششم میلادی، جنگ‌های سیاسی را به جنگ‌های صلیبی تبدیل کرد. بیزانس با ویران کردن آتشکده شاهنشاهی گنزک در آذربایجان؛ غارت اورشلیم را تلافی کرد (گارسویان^۱، تاریخ ایران، مقاله‌ی بیزانس و ساسانیان، صص ۶۸۳-۷۰۶). در یک دوره از نبردهای ایران و روم **خسرو پرویز** به سال ۶۱۰ م حمله به امپراطوری روم را برای تجزیه متصرفات روم در آسیای صغیر تدارک دید، در ۶۱۱ م انطاکیه و در ۶۱۳ م دمشق و در پنج ماه بعد ۶۱۱ م قوای ایران به فرماندهی شهربراز بیت‌المقدس را گشودند، سقوط بیت‌المقدس به‌دست ایرانیان، ضربه وحشتناکی بر پیکر مسیحیت زد. زیرا در وجدان باختر و در هویت ذهنی غربیان شکست‌ناپذیری اورشلیم حقیقت تاریخی و دینی ثابتی بود، که در متون دینی مکرر قرائت می‌شد: «پادشاهان جهان و جمیع سکنه ربع مسکون باور نمی‌کردند که عدو و دشمن به دروازه‌های اورشلیم داخل شود، مرآتی ارمیاء نبی، باب چهارم» (ر، ک: رانسیمان، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۲ ص ۷). پس از آن پیکار علیه ایران جهادی مقدس تلقی شد، پنج قرن بعد که ویلیام صوری تاریخ جنگ‌های صلیبی خود را به رشته تحریر درآورد، شرح جنگ با ایرانیان



را در آن گنجانید (رانسیمان، همان، ج ۱، ص ۲۴). خاورشناسان ظهور اسلام را نیز در امتداد صلیبی شرق و غرب بررسی کرده‌اند خاورشناس انگلیسی، رانسیمان، محقق برجسته جنگ‌های کلاسیک صلیبی، ظهور اسلام را پدیده هوشمندانه‌ای در قالب روابط جنگی ایران و روم دانسته است که در ببحوجه‌ی همین حوادث **هراکلیتوس** دعوت پیامبر اسلام را دریافت کرد. محمد (ص) نیز با این مقتضیات کاملاً هماهنگ بود؛ زیرا شمشیر مسلمانان حتی در حیات پیامبر با حمله‌ای موفقیت‌آمیز، اما نه‌چندان بزرگ که به فلسطین صورت گرفت، بر پیکر ایالات امپراطوری وارد آمده بود و سرانجام در ادامه‌ی همین حرکت، به سال ۶۳۶ م مسلمانان فلسطین را گشودند. خاورشناسان؛ پیشروی سلجوقیان در آسیای صغیر را که منجر به قطع خط حج مسیحی شد، در راستای نبردهای صلیبی آورده‌اند (رانسیمان، همان، ۳۲/۱)، که پس از فتوحات خلفای عرب در شامات تأسف‌انگیزترین زبان و خذلانی که بر دین مسیح و دستگاه پاپی و امپراطوری رسید، ورود ترکان سلجوقی به آسیای صغیر و تصرف آن است، ترکان سلجوقی نخستین ملت در میان مللی بودند که به فرمان تقدیر، سقوط نهایی امپراطوری روم را باعث شدند و در سال ۱۰۷۱ میلادی به رهبری **الپ ارسلان** در نبرد تاریخی **ملازگرد**^۲ رومیان را شکست دادند (گیبون^۳، انحطاط و سقوط امپراطوری روم، ج ۳، ص ۱۷۸). با این وصف بیشتر خاورشناسان دلیل مشترک اروپا برای جنگ‌های صلیبی را مقابله با اسلام و نجات اماکن مقدس و انگیزه‌های ایمانی دانسته‌اند؛ شرق‌شناس فرانسوی، **سولینه** روح ایمان را عامل اصلی جنگ‌های صلیبی دانسته است (سولینه^۴، ادبیات فرانسه در قرون وسطی، ۵۷) در این دیدگاه مقابله با اسلام بوسیله روح ایمان مسیحی از اسپانیا آغاز شده است.

مقابله با فتح اسپانیا و پیشروی اسلام در جنوب اروپا

خاورشناس آلمانی **اشپولر** آغاز جنگ صلیبی یعنی تهاجم غرب علیه اسلام را به ۱۰۸۵ م سال بازپس‌گیری^۵ طلیطله پایتخت سنتی اسپانیا از مسلمانان دانسته است، (اشپولر^۶، جهان اسلام، ص ۱۶۸). استفاده از روح ایمانی مسیحی در عملیات بازپس‌گیری در اسپانیا و آسیای صغیر دو جبهه‌ی نبرد صلیبی بود که هم‌زمان در شرق و در غرب جریان پیدا کرد؛ امپراطور بیزانس **فوکاس**، عزم ایمانی خود را برای مقابله با اسلام و بازپس‌گیری متصرفات سلجوقیان در آسیای صغیر و بازپس‌گیری دمشق و وطن اجدادی خود، وصف کرده است. **ابن العدیم** مورخ در قصیده‌ای عزم فوکاس برای بازپس‌گیری انطاکیه، اورشلیم را به زبان شعر آورده است. امپراطور بیزانس چهار قرن سرزمین‌های مسیحی غربی را در مقابل تهاجم و پیشروی مسلمانان از سمت شرق محافظ کرد و سرانجام **امپراطور الکسیوس کوسنوس** (۱۰۸۱-۱۱۱۸) که امپراطوری خود را در شرف فروپاشی دید، از **پاپ اوربانوس دوم** برای جنگ بر ضد کفار درخواست کمک انسانی کرد (منسفلید، تاریخ خاورمیانه، ۲۶) آزادی نیروهای بازپس‌گیری اسپانیا در جبهه غرب به پاپ

فرصتی داد که از همه قدرت‌های اروپایی برای نجات اماکن مقدس که حقیقت ایمانی واحدی بود کمک گیرد (لومرل، تاریخ قرون وسطی، ج ۲، ص ۱۳۱) بدینسان، نیروهای صلیبی اروپایی در اندلس اسلام را در پشت کوه‌های پیرنه متوقف نمودند و در جبهه شرق امپراطوری بیزانس اسلام را در پشت کوه‌های توروس متوقف نمود، بسیاری از شرق‌شناسان علل جنگ‌های صلیبی را عکس‌العمل غرب به فتح اسپانیا^۷ دانسته‌اند. مسلمانان در پیشروی در اسپانیا از کوه‌های پیرنه عبور کردند. آن‌ها از انتهای شرقی کوهستان پیرنه وارد خاک فرانسه شدند و به‌نظر می‌رسید که اسلام فرانسه را به آسانی اسپانیا می‌گشاید؛ ولی با پادشاهی استوار فرانک برخورد کرد؛ در این پادشاهی زمینه اتحاد قدرت‌های بزرگ اروپایی از جمله آلمان و فرانسه فراهم شده بود (ولز، کلیات تاریخ، ص ۷۸۵) در نبرد تورو پواتیه ۷۳۲ م اسلام در پشت پیرنه متوقف شد و سلسله جنگ‌هایی آغاز شد که پانصد سال در مرزهای شرقی، شمالی و غربی از صخره‌های پلایو تا ارتفاعات بیشتر اندلس جریان داشت؛ صدها نبرد سرنوشت‌ساز بین اسلام و مسیحیت در اسپانیا روی داد، تا سرانجام با آغاز عملیات بازپس‌گیری اندلس، اروپا زیر پرچم کلیسا متحد شد. جنگ زلاقه در ۱۰۸۶ عکس‌العمل نیروهای مسلمان برای بازپس‌گیری طلیطله بود که بلافاصله به‌وسیله‌ی نیروهای صلیبی، که سپاه‌یانی مانند نیروهای اسلامی که خود را مراسمین می‌نامیدند، تربیت کرده بودند، در ۱۰۸۷ پاسخ داده شد و این نیروهای ویژه که راهبان نظامی بودند، خود را برای شرکت در اولین نبرد کلاسیک صلیبی آماده کردند؛ پاپ نجات

صلیبی کلاسیک اول را حاصل شکاف بین ترک‌های سلجوقی دانسته‌اند (الحروب الصلیبیه، ص ۶۹). اما مهم‌ترین علت سیاسی جنگ‌های کلاسیک صلیبی تحریکات امپراطوری بیزانس برای برانگیختن پاپ بود تا با استفاده از کلیسا، نیروهای اروپایی را برای دخالت در آسیای صغیر و تصرف اماکن مقدس تحریکات کند.

امپراطوری بیزانس برای حفظ خاک خود تصمیم گرفت دو قدرت عربی و اروپایی را در شامات و آسیای صغیر به جان هم بیندازد، (ممتحن، کلیات تاریخ عمومی، ج ۲ ص ۱۷۵) اما، با این وصف هنوز انگیزه‌های دینی را در وقوع جنگ‌های کلاسیک مینا قرار می‌دهند (سمیل، الحروب الصلیبیه، ص ۶۹). به هر حال جلوگیری از پیشروی ترک‌ها به آسیای صغیر و مانع شدن از ورود آن‌ها به بالکان، سیاست ثابت امپراطوری بیزانس بود که برای اجرای آن از اروپا کمک گرفت. برخی از خاورشناسان، جنگ‌های کلاسیک صلیبی را در چهارچوب تحریکات گسترده اقتصادی کلیسا و سران اروپا و در راستای افزایش تحریکات تجاری در مدیترانه و وجود زمینه‌های قوی برای بروز انگیزه‌های اقتصادی جنگ‌های صلیبی دانسته‌اند؛ از جمله آن‌ها قحطی هفت ساله پیش از شروع جنگ‌های صلیبی و بلایای طبیعی مانند طاعون و وبا بود که چهره وحشتناکی به زندگی مردم اروپا داده بود؛ لذا موضوع علل اقتصادی جنگ‌های صلیبی از موارد اصلی مورد بررسی مکاتب اقتصادی در بررسی تحریکات دولت‌ها در اروپاست. برخی خاورشناسان تنها انگیزه اقتصادی کلیسا را عامل جنگ‌های صلیبی دانسته‌اند؛ چگونگی تبدیل کلیسا به زمینداری بزرگ را به خاطر بسپارید روحانیان مسیحی از چگونه افرادی تشکیل می‌شدند (آگیبالوا، تاریخ سده‌های میانه، ص ۱۱۵).

افزایش تعداد شهرها و پیشرفت بازرگانی، شهوت مال پرستی فئودال‌ها را افزایش فوق‌العاده داد. در شرق نیز ترک‌های سلجوقی املاک اعراب را از چنگشان به در کردند، کلیسای کاتولیک با استفاده از این موقعیت لشکرکشی‌های غارتگرانه علیه مسلمانان به راه انداخت؛ چون می‌خواست با وارد کردن ملل مغلوب، میزان پرداخت عشریه بالاتر برود و قدرت و ثروت خود را افزایش دهد، روحانیان برای این که اهداف واقعی اقتصادی این لشکرکشی‌ها را پنهان کنند ادعا می‌کردند که جنگ علیه مسلمانان موجب رضای خدا است (آگیبالوا، همان، ص ۱۲۰) لذا جنگ‌های کلاسیک صلیبی که با اهداف اقتصادی غارتگرانه بوسیله فئودال‌های

اسپانیا را عامل بخشش گناهان اعلام کرد (زابورف، ص ۲۶) مارکس نیز تصرف طلیطله در ۱۰۸۵ بوسیله شاه قستاله^۸ را مقدمه صلیبی اول دانسته است. خاورشناسان کسب پیروزی در اسپانیا را مانوری بزرگ برای انجام جنگ‌های کلاسیک صلیبی دانسته‌اند (گروسه، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ص ۱۰) زیرا صومعه کلونی که نیروهای کلاسیک صلیبی در ابتدا از آن‌جا هدایت شد، ابتدا فعالیت‌های خود را برای بازپس‌گیری اسپانیا و آزادی مسیحیان از دولت‌های اسلامی اسپانیا شروع کرد؛ پاپ اوربان دوم، کسی که فرمان نخستین جنگ صلیبی کلاسیک را صادر کرد، در لشکرکشی ۱۰۶۴ برای آزادی اسپانیا و راندن اعراب از آراگون، بیست ساله بود و در این جنگ حضور فعال داشت، او وقتی به مقام پاپی رسید نیز در ۱۰۸۹ شخصاً شوالیه‌های جنوب فرانسه را برای آزادی اسپانیا هدایت می‌کرد، او وقتی از طریق زائران مسیحی اورشلیم از وضع زائران در آسیای صغیر و رفتار با آن‌ها مطلع شد، در سال ۱۰۹۵ همه مسیحیان را در انجمن اسقفان صومعه کلرمون به دفاع از ایمان مسیحی که در اورشلیم به خطر افتاده بود، دعوت کرد. با این وصف، جنگ صلیبی اول، عکس‌العمل مستقیم تصرف اسپانیا و وابسته به رویدادها و شکوفایی دولت‌های اسلامی در خاورمیانه و اسپانیا بوده است و رشد و بالندگی آسیای غربی در قرون وسطا بستگی به موفقیت و یا ناکامی پادشاهان اروپا و توانایی و اقتدار مرکزی آن‌ها نداشت، بلکه تحریکات دول اسلامی باعث جنگ صلیبی شد که با برانداختن سلطه مسلمانان از شبهه جزیره ایبری؛ باعث تولد ملت اسپانیا شد (کریک، ص ۸۷).

ملل صلیبی اروپا به تلافی تأسیس دول اسلامی در جنوب اروپا، چهار امارت و دولت مستقل لاتینی در رها [ادسا]^۹، بیت المقدس، انطاکیه و طرابلس بنا کردند.

علل اقتصادی و سیاسی جنگ‌های کلاسیک صلیبی

اختلاف و عدم یکپارچگی قدرت در جهان اسلام از عللی است که مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته است؛ ضعف خلافت فاطمی، که اماکن مقدس مسیحیان در شامات بخشی از قلمرو وسیع آن‌ها بود؛ و اختلاف بین سران قدرت در دولت سلجوقی در حوزه آسیای صغیر، مقابله خلافت بغداد با فاطمیان، از زمینه‌های سیاسی مناسب حملات صلیبی برای تصرف اماکن مقدس در اورشلیم بوده است. برخی جنگ

محرک جنگ اول روح ایمان بود؛ محرک جنگ دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم سیاست، اقتصاد و قدرت بود. جنگ هفتم آغاز پایان جنگ صلیبی بود، جنگ صلیبی هشتم شکست کلاسیک صلیبیون از خلافت تازه‌تأسیس حفصیان و بازگشت ناموفق صلیبی‌ها به خانه بود

جنگ کلاسیک صلیبی

قضیه جنگ‌های صلیبی که پدیده موقت و کوتاه مدت قرون وسطایی بود، از اواسط قرن نوزدهم میلادی مورد تمجید قرار گرفت و به عنوان پارادایمی برای شیوه زندگی سیاسی نظامی اروپا درآمد و اولین طلوعه استعمار اروپایی شد

جنگ کلاسیک صلیبی

ملل اروپایی ملت و امت واحد مسیح نامیده شدند و سپس سران دول اروپایی با پاپ راباط سید و مولی برقرار کردند (زابوروف، همان، ص ۲۶) و جنگ‌های صلیبی را به عنوان افعال رب و فعل ایمان دانستند، اربابان کلیسا از برخی شرایط محیطی و وضع اجتماعی و اقتصادی مردم در راستای تحقق منافع خود سود جستند و به واسطه‌ی این شرایط، روح زهد و ایمان را بر اروپا حاکم ساختند، از جمله هفت سال قحطی پیش از آغاز نبردهای صلیبی و وبا و طاعون فراگیر در اروپا که بدنبال آن روح زهد بر اروپا حاکم شده (زابوروف، همان، ص ۳۴۰)، این شرایط سخت طبیعی و شرایط بدتر اجتماعی دهقانان که از نظام فئودالی رنج می‌بردند، زمینه‌های حاکمیت و گسترش الهیات رهایی بخش بوسیله کلیسا و جنگ‌های صلیبی را فراهم ساخت، کلیسا گروهی راهبان نظامی به تقلید از مرابطین اسلامی که همواره آماده جهاد دینی بودند تربیت کرد که ابتدا کار محافظت از زائران قبر مسیح را بعهده داشتند و کلیسا با همان وسایلی که مبارزان مسلمان در نبردهای اسلامی اندلس را گشودند و قرن‌ها بر آن حکومت کردند؛ اندلس را بازپس گرفت و ملل مؤمن مسیحی را برای رهایی سرزمین‌های مقدس^{۱۱} آماده کرد و به مقابله با خطر اسلام برخاست که بوسیله مرابطین و موحدین و سلسله‌هایی از این قبیل حمایت می‌شد. اما با این وجود الهیات رهایی بخش صلیبی که نتوانست ارض مقدس را که برای انجام عملیات مناسک رهایی بخش حج ضروری بود، رها کند، خط حج جدیدی را در مرزبین اسپانیا و فرانسه در محل شهر شنت یاقب بنا کرد، یعقوب مقدس که نقش اساسی در رها سازی سرزمین مقدس ایفا کرد، قبرش به جای مزار مسیح (ع)، زیارتگاه و محل حج زوار مسیحی شد، بقایای جسد یعقوب حواری در گالیسیا پیدا شد (لوگوف، اروپا مولود قرون وسطی، ۳۹۳) حرم مقدس اروپایی جدید در اسپانیا در شهر کومپوستلای^{۱۲} قبر یعقوب حواری در سال ۸۲۰-۸۳۰ از زمان کشف به سومین مکان زیارتی بزرگ مسیحیان پس از اورشلیم تبدیل شد، یعقوب در زمان مبارزه با مسلمانان به عنوان حامی مسیحیان در جبهه حاضر شد و لقب قاتل مورها^{۱۳} (اعراب مسلمان) گرفت و لذا از سراسر عالم مسیحی زوار به زیارت مزار او سرازیر می‌شوند؛ منصور بن ابی عامر این محل را در ۹۹۷ م ویران کرد. (لوگوف، همان، ص ۹۹) اما، شنت یاقب به تدریج جایگاه مزار اورشلیم را گرفت و خط حج جدید مسیحی از سراسر اروپا به شنت یاقب برقرار گردید که تاکنون همه ساله

غربی در شرق بپاشد به نتایجی اقتصادی رسید و سرانجام باعث رونق تجارت در مدیترانه شد.

فلسفه دینی جنگ‌های صلیبی و مدل جهاد صوفیان اسلامی در مغرب و اندلس

برخی خاورشناسان جنگ‌های صلیبی را در چارچوب نوعی الهیات جدید نجات ورستگاری و معادشناسی بررسی کرده‌اند؛ این الهیات ریشه در مناسک حج دارد که در عقاید مسیحی حج، مسیر توبه و بازگشت به طهارت و از مناسک تکفیر سیئات و مانند روزه و آزار بدنی است؛ عملیات حج مسیحی و زیارت اماکن مقدس و اسفار معنوی که سابقه آن به ۷۰۰ م می‌رسد (بارکر، ۱۳)، همه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مسیحی را تحت نفوذ خود دارد. در دیدگاه مسیحی حج وسیله صعود به قله انسانیت و نجات از عالم مادی و تحول انسان عادی به انسان قدیس است. که با زیارت قبر مسیح و سفر به اماکن مقدس حاصل می‌شود (زابوروف، همان، ۲۴) قبر عیسی دروازه‌ی ورود به بهشت است و هر کس تربت او را زیارت کند و در راه او صدمه ببیند به بهشت می‌رود (ماله، همان، ۲۰۸) با این وصف قطع مسیر حج و تخریب کلیسای قیامت مزار مسیح به منزله بستن راه بهشت زوار مسیحی بود و بدینسان اسفار حج عامل ذاتی جنگ صلیبی بود و حج زمینه فکری و عملی جنگ صلیبی را مهیا ساخت (زابوروف، همان، ۲۴)، جنگ صلیبی قله زندگی دینی مردم اروپا در قرن دوازدهم میلادی است و ترجمان افکار دینی و توجه واقعی آن‌ها به حیات دیگر است و نوعی جدیدی از استخلاص و توجه به معاد را در عرصه افکار دینی و اندیشه‌های کلامی اروپایی ایجاد کرده است (بارکر، همان، ص ۹) در دیدگاه خاورشناسان تبیین جدید مسیحی از حج و جایگاه کلیسا و توجه کلیسا به این موقعیت در حوزه قدرت سیاسی که خود را حاکم مطلق جهان به تفویض الهی می‌دانست، موجب اقدام به اصلاحاتی برای کسب این قدرت شد، کلیسا هدف از اصلاحات خود را نشر عفت و تقوی و سازمان دادن به همه کلیساهای مسیحی دانست که به‌وسیله‌ی جنگ‌های صلیبی صورت گرفت و لذا جنگ‌های صلیبی بخشی از اقدامات اصلاحی کلیسا است (بارکر، همان، ص ۹) و حرکت اصلاحی کلیسا نخستین عامل اصلی و مستقیم جنگ‌های کلاسیک صلیبی است (زابوروف، همان، ص ۳۷) در این اقدام اصلاحی ابتدا هر



مناطق درگیر در جنگ‌های صلیبی

دولت‌هایی بودند که در ایجاد جنگ‌های صلیبی دخالت داشتند، به سال ۱۰۱۰م حکم خلیفه دولت شیعی فاطمی سیاست خاصی را راجع به یهود و مسیحیان در پیش گرفت و کلیسای مزار مقدس را با خاک یکسان کرد و ترک‌ها سلجوقی نیز اورشلیم را فتح کردند و به‌زودی اورشلیم عرصه پیکار ملل مختلف گردید (گیبون، همان ج ۳/ص ۱۱۸۱) این عوامل، زمینه‌ساز وقوع حادثه‌ای بین المللی شدند که دویست سال طول کشید؛ و پس از آن یکی از پارادایم‌های روابط شرق و غرب شد؛ وجه اهمیت سیاسی جنگ‌های کلاسیک صلیبی در به هم خوردن چینش سیاسی نظامی، اداری و اجتماعی و فرهنگی و مذهبی جهان در قرن ششم هجری است، قضاوت در مورد اینکه چه کسی مسئول به هم خوردن این نظم بود، از موارد سنتی تاریخی نزاع بین محققان تشیع و تسنن است؛ خاورشناس بزرگ انگلیسی باسورث^۴ از مدخل این قضاوت وارد کارنامه سیاسی فاطمیان و جنگ‌های صلیبی شده است. به گفته او پیدا شدن جنگجویان صلیبی اول در پایان قرن سبب شد فاطمیان بیت‌المقدس

انبوهی از زائران به زیارت آن می‌روند. دنیای مسیحی با استفاده از وسایلی که اسلام، با جهاد اسلامی اورشلیم را گرفت، نتوانست در اهداف خود موفق شود، به این ترتیب بود که اروپای مسیحی پا جای پای اسلامی نهاد که از همان ابتدا با در دست گرفتن قرآن، جهاد یا جنگ مقدس جزء اولین فرایض مؤمنین قرار داده شده بود. (لوگوف، همان، ۱۷۱).

تشیع و تسنن، جنگ‌های صلیبی در قضاوت خاورشناسان
فاطمیان شیعی، سلجوقیان سنی؛ فرانسه کاتولیک، آلمان پروتستان، انگلیس، قشتاله آراگون، امپراطوری رم و بیزانس، دولت سنی مراطین و دولت متشیع موحدین، نیروها و دول ملوک الطوائف اندلس، زنگیان و یوبیا بسیار متعصب به تسنن و خلافت عباسی بغداد مرکز تسنن، کلیسای کاتولیک، محافل مذهبی اسلامی و علماء و فقهاء و متصوفه بزرگ، خلق بیشماری از مردم مسلمان و مسیحی و محافل یهودی، نیروها و

تاریخ پیدایش و تولد واژه جنگ‌های صلیبی حاکی از انتخاب این جنگ‌ها به‌عنوان الگو و روشی از زندگی جنگی است زیرا تاریخ اطلاق واژه «جنگ صلیبی» بسیار متأخرتر از حادثه و چند قرن پس از این جنگ‌ها است

یک اندازه از آن سود و زیان بردند، تشیع و تسنن نیز به یک میزان دچار عواقب و خسارات، از جمله سقوط اندلس و از دست رفتن سیسیل شدند.

نتایج و نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی و عاقبت، آه اورشلیم، آه اورشلیم

انهدام میراث مشترک ملت‌ها و دولت‌های مختلف جنگ‌های کلاسیک صلیبی به اهداف مستقیم و اصلی خود که رهایی اراضی مقدس و اماکن مقدس بود، شکست خورد (کاسمینسکی، ۸۹) و این جنگ‌ها نه تنها باعث تصرف اماکن مقدس در شرق به‌وسیله‌ی صلیبی‌ها نشد، بلکه باعث استمرار سلطه شرق بر غرب مسیحی شد (بارکر، همان، ۲۵) دولت‌های لاتینی و شوالیه‌هایی که در شرق مانده بودند نیز نتوانستند باقی بمانند و از مراکز مسکونی خود دفاع کنند. (کاسمینسکی، ۸۹) در تاریخ، جنگ‌های صلیبی به صورت جنگ‌ها و اردوکنشی‌های غارتگرانه احمقانه و وحشیانه توده‌های مردم به وسیله شاه اوباشان (وست، ۲۲) معرفی شد. این جنگ‌های دویست ساله سراسر تجاوزهای غارتگرانه‌ای بود که فئودال‌های غربی در شرق براه انداختند و سرانجام به اهداف واقعی خود نرسیدند (کاسمینسکی، ص ۱۲۰) در بین جنگ‌های کلاسیک جنگ صلیبی چهارم بیش از پیش مقاصد تجاوزکارانه و غارتگرانه صلیبیان را روشن ساخت (آگیبالووا، ۱۲) اگرچه اهداف مستقیم جنگ‌های صلیبی محقق نشد اما، عصر جنگ‌های مقدس صلیبی برای اروپای غربی در حکم جرعه انقلاب اقتصادی و فرهنگی بود، (منسفیلد، تاریخ خاورمیانه، ۲۷). انقلاب سیاسی، اجتماعی اقتصادی و به‌ویژه تغییر در شیوه‌ی درست حکومت از جمله آثار مثبت جنگ‌های صلیبی از طریق برخورد با شرق اسلامی برای اروپای غربی بود که خاورشناسان بسیاری آن را تصریح کرده‌اند واز آن به عنوان اهداف غیرمستقیم جنگ‌های صلیبی یاد کرده‌اند. جنگ‌های صلیبی نتایج سیاسی اقتصادی مهمی در عرصه بسط تمدن و تجمل مشرق در مغرب به بار آورد و مهم‌ترین نتیجه سیاسی آن، شیوه‌ی درست حکومت (وست، ص ۹۹) زوال قدرت ارباب مالک بود. رونق تجارت و تحرک جوامع اروپایی غربی، آشنایی با شهرسازی و کشاورزی جدید و با محصولات چینی چون گندم سیاه، ذرت، برنج، جویانواع رنگ‌ها، شکر (ویلیام صوری ۱۱۹۰م) از کشت نیشکر در اروپا به عنوان نخستین وسیله بهبود زندگی یاد کرده است، زردآلو،

را از دست بدهند. با این همه صلیبیان برای حکمرانان ترک شام خطر بیشتری داشتند تا برای فاطمیان، بعضی از تاریخ‌نگاران سنی مدعی‌اند که فاطمیان، فرنگیان را به پیاده شدن در شرق طالع تشویق می‌کردند، این امری غیرممکن است، وزیران فاطمی در نیمه قرن دوازدهم با نورالدین زنگی امیر حلب و دمشق علیه صلیبیان همکاری می‌کردند با وجود این عسقلان را در ۵۴۸ هـ / ۱۱۵۳ م در برابر آن‌ها از دست دادند، اندکی بعد خلافت فاطمی در داخل شروع به از هم پاشیدن کرد و برای صلاح الدین ایوبی دشوار نبود که وقتی خلیفه فاطمی در بستر مرگ افتاده بود به حکمرانی آن‌ها در ۵۶۷ هـ / ۱۱۷۱ م پایان دهد.^{۱۵} گیبون نیز ارتباطی بین تغییرات و نزاع تسنن و تشیع در حوزه خلافت اسلامی برقرار کرده است، زیرا انتقال خلافت اسلامی از عباسیان به فاطمیان می‌توانست مورد استفاده صلیبیان قرار گیرد. «تحوالی که قضیب سلطنت را از خلفای عباسی به خلفای فاطمی منتقل کرد به سود اورشلیم بود نه به زیان آن زیرا که پادشاهی مصر به اهمیت داد و ستد با مسیحیان واقف‌تر و امراء فلسطین را از سلطه وی و قدرت قانون فاصله کمتر بود». (گیبون، ظهور و سقوط امپراطوری رم، ج ۲، ص ۱۱۸۲). برخورد یکسان صلیبیون با سلجوقیان سنی و فاطمیان شیعی و تعصب بر هدف اصلی تصرف بیت المقدس از نتایج روشن تحقیقات خاورشناسان است. همکاری فاطمیان با صلیبی‌ها چندان دوام نیافت. فاطمیان قصد داشتند به‌واسطه‌ی صلیبیان از پیشروی ترک‌ها در تصرف فلسطین و اراضی مقدس جلوگیری کنند؛ اما با پیشروی صلیبی‌ها به سمت بیروت، آشکار شد صلیبی‌ها تنها به این اراضی نیستند که در شمال و مرکز سوریه سرزمین‌هایی در تصرف داشته باشند، بلکه هدف آن‌ها دست یافتن به فلسطین است. فرستادگان صلیبی به قاهره بازداشت شدند و این به آن معنی بود که صلیبیان از هدفی که برای آن از اروپا به راه افتاده بودند، دست بردارند، پیشنهاد فاطمیان رد شد و در ۲۲ شعبان ۴۹۲ هـ / ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹ م صلیبیون بیت‌المقدس را تصرف کردند و با تعصب و وحشی‌گری، که پدیده‌ای جدید در سرزمین‌های شرقی حکومت اسلامی بود، مردمانی را قرن‌ها با مسالمت در کنار هم زیسته بودند، قتل عام کردند. (کمبریج، ج ۱ / ص ۱۷۲) عوامل هشت جنگ کلاسیک صلیبی در چارچوب سیاست‌های مربوط به نزاع تسنن و تشیع نمی‌گنجد. این جنگ‌ها رویارویی کامل امت محمد (ص) با امت مسیح (ع) بود، چنانکه کاتولیک و پروتستان به

برخی از مورخان بر این اعتقاد هستند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹م دوباره یک اروپای مرکزی طبق الگوی که در قرون وسطی وجود داشت، شکل پذیرفته است

جنگ کلاسیک صلیبی

نقطه هدف خود به هیچ نتیجه مثبتی نرسید. سرانجام یک دولت کوچک مسلمانان از کردهای ایوبی ایرانی، اورشلیم را از دست مسیحیان خارج ساخت و امارات متزلزل صلیبی سواحل شام نیز به تدریج از بین رفتند.

خاورشناسان، استفاده و سوء استفاده از پدیده قرون وسطایی جنگ صلیبی:

در آغاز عصر روشنگری اروپا، جنگ‌های صلیبی را از زبان ولتر، روسو و دیگران جنگ‌های احمقانه، حماقت بشریت، جنون اروپا، عملکرد جاهلیت، وصف کردند و اروپا را متهم به بیهوده هدر دادن اموال و جان مردم در جنگ‌های صلیبی دانستند؛ (زاباروف، ۳۴۵) اما ناگهان قضیه جنگ‌های صلیبی که پدیده موقت و کوتاه مدت قرون وسطایی بود، [قضیه فی واقعه] از اواسط قرن نوزدهم میلادی مورد تمجید قرار گرفت و به عنوان پارادایمی برای شیوه زندگی سیاسی نظامی اروپا درآمد و اولین طلیعه استعمار اروپایی شد؛ و در صدر سیاست پژوهشی اروپا در آسیا و افریقا قرار گرفت؛ فرانسه، بلژیک کاتولیک و آلمان پروتستان ده‌ها مؤسسه شرق‌شناسی برای شناخت شرق لاتینی تأسیس کردند و بازنگری و تحلیل جنگ‌های صلیبی، در صدر پژوهش‌های آن‌ها قرار گرفت، این جریان با عنوان «قضیه حمایت از کلیسای ارتودکس شرق» در دستور کار دیپلوماسی دولت روسیه، انگلیس، فرانسه در روابط با امپراطوری عثمانی که بر اماکن مقدس حکومت می‌کرد قرار گرفت اما؛ سلاطین عثمانی در موارد متعدد از جمله در معاهده ۱۸۵۳ م در روابط خود با دولت انگلیس و فرانسه در مقابل تهدیدات روسیه، از هرگونه تساهل در قضیه حمایت از کلیسای ارتودکس شرق به وسیله انگلیس علیرغم حمایت ناوگان انگلیس و فرانسه از سلطان عثمانی در برابر روسیه خودداری نمود (نعنی، تاریخ المعاصر لاروپا، ص ۲۳۵). با این وجود استفاده از موقعیت اراضی مقدسه در شرق، جریان و هویت ثابتی پیدا کرد، این جریان در جنگ جهانی اول خود را هویدا ساخت و متحدین و متفقین در استفاده از شعارهای دینی از یکدیگر سبقت جستند و هر دو جناح جنگ خود را جنگ مقدس نامیدند و خود را صلیبی خواندند، کاهن آلمانی «باکوبکیتر» موفقیت آلمان در دستیابی به سلاح‌های برتر جدید را تجلی روح رب در آلمانی‌ها دانست، دولت‌های متفقین هم خود را دول مجاهد در راه ایمان و خدا که برای ارزش‌های متعالی مسیح مبارزه می‌کنند، معرفی نمودند؛ از جمله شعارهای آن‌ها شاعیر ضد بلشویکی بود، پاپ بندیکتوس ۱۵ (۱۹۱۴-۱۹۲۲) پرچمدار مبارزه دینی علیه جمهوری شوروی بود؛ در جنگ جهانی دوم نیز آلمانی‌ها خود را صلیبی خواندند و روی سگک کمر بند آن‌ها شعار الله معنا حک شده بود (زابوروف، ۳۴۷) ایزنهاور فرمانده عالی رتبه آلمانی در جنگ دوم، در کتاب (crusade in Europe) از جنگ دوم جهانی به جنگ صلیبی اروپا یاد کرده است. تاریخ پیدایش و تولد واژه جنگ‌های صلیبی حاکی از انتخاب این جنگ‌ها به‌عنوان الگو و روشی از زندگی جنگی است زیرا تاریخ اطلاق واژه «جنگ صلیبی» بسیار متأخر از حادثه و چند قرن پس از این جنگ‌ها است، ابتدا در پایان قرن پانزدهم میلادی کلمه فرانسوی croisade «جنگ صلیبی» به کار گرفته شده

هندوانه و کشمش، ارزن، پیاز، خرما صنعت بلورسازی، ابریشم‌بافی و لباس و آغاز نوآوری صنعتی از نتایج مثبت جنگ‌های صلیبی برای اروپای غربی بود (کاسمینسکی، ۹۰) جنگ‌های صلیبی باعث ایجاد جریانی از توسعه شهرنشینی در تاریخ اروپاست، استخدام آلات جنگی، منجنیق، حجم زیادی از لغات عربی در فرهنگ‌های اروپایی که تاکنون وجود دارد، دلیل محکم تأثیر فرهنگ اسلامی در دوران صلیبی بر اروپاست. ادبیات، هنر، معماری، نقاشی، ساخت ظروف، از ابعاد دیگر تأثیرات گسترده جنگ‌های صلیبی است. فیوناشی در عصر جنگ صلیبی با سفر به مراکز علمی مصر و سوریه علم جبر را برای نخستین بار به اروپا برد. لول نیز بر اساس الگوی تصوف اسلامی، حجم عظیمی از عرفان اسلامی را به ادبیات اروپا انتقال داد. از نمونه‌های تأثیر مثبت فرهنگ و تمدن اسلامی در دولت پرچمدار جنگ‌های صلیبی فرانسه است که به گفته خاورشناسان پس از این جنگ‌ها دوره‌ای از تحول را آغاز کرد که باعث رفع شأن فرانسه که پرچمدار جنگ‌های صلیبی بود، گردید و در نهایت قرن ۱۳ فرانسه بزرگ اروپا شد (بارکر، همان، ۱۴۸). از جمله مهم‌ترین نتایج سیاسی جنگ‌های صلیبی، تأثیر آن بر وحدت و تفرقه قدرت‌های اروپایی است. اروپا در طی جنگ‌های صلیبی وحدت اروپا را تجربه کرد، زیرا شرکت اروپاییان در جنگ‌های صلیبی ناشی از وحدت «درون قاره‌ای» بود که کلیسای رم نقش اساسی و اصلی را در آن بازی می‌کرد، (فوشه^۶، جمهوری اروپا، ص ۳۴)، درحالی‌که نتایج جنگ‌های صلیبی در اثر پدیده برخورد و هم‌جوشی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها^۷ و انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به‌وسیله جنگ‌های صلیبی به اروپا و تأثیر آن در رنسانس اروپا از مسلمات قرون وسطای پسین است. با این وجود گروهی از خاورشناسان - که عده آن‌ها نسبت به خاورشناسان معترف به انتقال تمدن شرق اسلامی به غرب مسیحی معترفند اندک است - معتقد به عدم تأثیر تمدنی جنگ‌های صلیبی بر غرب مسیحی هستند؛ نظر متعادل از لوگوف است که به عقیده او قدرت اقتصادی شهرهای حوزه مدیترانه با جنگ‌های صلیبی ایجاد نشد بلکه بیش از هر چیز حاصل به کارگیری صلح جویانه ثروت و مکتب توسط حکومت‌های بیزانسی و اسلامی بود (لوگوف، همان، ۱۹۲) و مسلمانان از سطح پایین فرهنگ و تمدن صلیبی‌ها که به وضوح عقب‌تر از مسلمانان بودند، درشگفت بودند (منسفیلد، همان، ۲۶) سطح پایین صلیبی‌ها در فرهنگ و تمدن در طب، حساب، فیزیک، نجوم، ادبیات، کشاورزی، شیوه حکومت باعث توسعه این علوم و معارف در جوامع صلیبی شد.

نتایج جنگ‌های صلیبی برای جهان اسلام فاجعه‌بار بود، همان طور که به درستی اظهار عقیده کرده‌اند، فاجعه‌بارترین تأثیر جنگ‌های صلیبی بر قلب جهان اسلام در انزوا افتادن اسلام بود و موجب قرن‌ها عقب ماندگی و ظلمت شد در اثر حملات همه جانبه، دنیای اسلام در خود فرو شد و بسیار حساس و تدافعی انعطاف ناپذیر و عقیم گردید (منسفیلد، همان، ۲۷). اما مسلمانان در صحنه قدرت سیاسی پس از جنگ‌های صلیبی همچنان استوار و پیشرو باقی ماندند بویژه آنکه جنگ‌های صلیبی در

جنگ‌های صلیبی باعث جابجایی ثروت بود و تمدن و نقش اساسی در انتقال تمدن اسلامی به اروپا داشت

جنگ کلاسیک صلیبی

داخلی دستگاه مذکور و بدعت‌افکنان و رقبای سیاسی بود (لوگوف اروپا مولود قرون وسطی، ص ۱۹۰).

جنگ صلیبی هفتم و هشتم، انتقال خلافت اسلامی از بغداد به تونس

عاقبت سیاسی جنگ‌های صلیبی در جهان اسلام، منجر به تأسیس دولت ایوبی و سپس دولت قدرتمند ممالیک که سه قرن در مصر بسیاری از جنبه‌های تمدن را به ظهور رساندند و تأسیس دولت اسلامی سلجوقیان روم در آسیای صغیر بود؛ و با وجود حملات سهمگین مغول، که از خطر صلیبی‌ها به مراتب بیشتر بود، اسلام قدرت فائده منطقه خاورمیانه بود و با ظهور دولت عثمانی بقایای بیزانس نیز از بین رفت و دول اروپایی کوشیدند چندین جنگ صلیبی براه اندازند که هدف آن‌ها نه نجات اماکن مقدس، که نجات خودشان بود (منسفیلد، ص ۳۱).

دو جنگ پایانی کلاسیک صلیبی که همزمان با سقوط خلافت عباسی در بغداد و انتقال قطب خلافت به تونس و سپس مصر همراه بود، با حضور انبوه مردم به رهبری متصوفه بزرگ از جمله ابوالحسن شاذلی، که از پیشوایان جهاد صوفیان در مغرب بود، منجر به شکست قوای صلیبی در سواحل مصر و تونس شد؛ جهاد صوفیان در مغرب و اندلس با اشارات محی‌الدین عربی شیخ اکبر بزرگ طریقت صوفیه آغاز شد. محی‌الدین عربی که اندلس را از ترس مخالفان و هنگام سقوط شهرهای اندلس در عملیات بازپس‌گیری مسیحیان ترک کرده بود، در مصر پیشوایان و حاکمان مسلمان را به مقابله با صلیبیون فرا خوانده است. ابوالحسن شاذلی که قبر او در مصر زیارتگاهی آباد است، باعث پیروزی مسلمانان با بسیج انبوهی از مردم در نبرد صلیبی هفتم شد. لشکر صلیبی هفتم ۵۰ روز دمیاط را در محاصره گرفتند و در ۲۱ دسامبر ۱۱۶۹ با شکست فاحشی آن را ترک کرد، شکست صلیبی هفتم که برای جلوگیری از حمله گاز انبری سپاهیان مسلمان از مصر و شام برای تصرف بیت‌المقدس صورت گرفت؛ باعث قدرت گرفتن صلاح‌الدین در شامات گردید و او در ۱۵ می ۱۱۷۴ رهبری سیاسی - نظامی مصر و شام را به دست آورد و سرانجام در ۱۵ رجب ۵۸۳ هـ ۲۰ دسامبر ۱۱۸۷ بیت‌المقدس را تصرف کرد. در نبرد صلیبی هشتم خلیفه حفصی ابوعبدالله المستنصر بالله که موفق شد فقط شش ماه بر کرسی خلافت اسلامی تکیه بزند، در

اما استفاده از کلمه صلیب برگیریم و CROISE «جنگجوی صلیبی» در قرن دوازدهم معمول شد (لوگوف، همان ۱۸۴). بنا به روایتی، واژه جنگ صلیبی در قرن هفدهم میلادی به بعد در اروپا معمول شد در ۱۶۷۵ م ابتدا لوئیس ممیور در فرانسه و لیسینگ در آلمان آن را به کار بردند؛ درحالی‌که در قرون وسطی این جنگ‌ها هنوز بار مفاهیم قرون وسطایی داشت و با عنوان زیارت، و سفر به اماکن^{۱۸} مقدسه یا ترحل^{۱۹} از آن‌ها یاد شده است. تولد این واژه به مفهوم جنگ‌های صلیبی برای ساختن نوعی پارادایم کارآمد از حادثه تاریخی بوده است؛ ثمربخشی پارادایم صلیبی که خاورشناسان از قرن شانزدهم به بعد برای انجام فعالیت‌های خود ایجاد نمودند، در حادثه تأسیس دولت‌های لاتینی بود. «در چشم‌انداز بلند این سؤال مطرح می‌شود که آیا ایجاد حکومت‌های لاتینی و به‌خصوص ایجاد پادشاهی اورشلیم در خاورمیانه که جنگ‌های صلیبی آن را واقعیت بخشید، اولین طلعه چیزی بود که می‌بایست از قرن شانزدهم به بعد استعمار عربیان و بی‌چون و چرای اروپایی را پی‌ریزی نماید؟ یوشواپراور^{۲۰} اسرائیلی می‌گوید: «من شخصاً به چنین برداشتی اعتقاد ندارم، حکومت‌های لاتینی فلسطینی صرفاً به‌طور بسیار محدودی در قالب مهاجرنشین‌ها برای بهره‌کشی اقتصادی مورد استفاده قرار گرفتند و جنگ‌های صلیبی پدیده کوتاه مدت قرون وسطایی بود» (لوگوف، همان، ۱۹۲). علاقمندی به بازسازی مجدد حوادث قرون وسطی در صدر علایق بسیاری از خاورشناسان است. بازگشت به قرون وسطی در کنار استفاده از پارادایم صلیبی منجر به تجدید سایر الگوهای قرون وسطایی در اروپا خواهد شد برخی از مورخان از جمله کلانیژای مجاری^{۲۱} بر این اعتقاد هستند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ م دوباره یک اروپای مرکزی طبق الگویی که در قرون وسطی وجود داشت، شکل پذیرفته است (لوگوف، همان، ۱۸۲)، لوگوف که مخالف امکان این قرون وسطی‌گرایی است در صلیبی بودن اصل جنگ‌های صلیبی تردید کرده است؛ و در شکل‌گیری این الگو چهار تناقض را رد یابی نموده است. جنگ صلیبی حاصل دین نصرانی است که اساساً داعیه صلح‌جویی دارد و در ابتدا فقط هدف بازپس‌گیری اندلس را داشت و قاعدتاً باید منجر به اتحاد جهان مسیحی می‌شد؛ اما انشقاق و دوگانگی جهان مسیحی را تشدید کرد و به آن قطعیت بخشید؛ جنگ‌هایی که با فرمان پاپ اوربان دوم آغاز شد تنها علیه دشمنان خارجی حکومت پاپ به‌راه نیفتاد بلکه علیه معاندان

آغاز خلافت با اشغال سواحل تونس به وسیله‌ی لویی نهم که خود را رهبر دنیای صلیبی می‌دانست روبه‌رو شد، دولت مصر، حجاز، دولت‌های بنی‌مرین و دولت اندلسی بنی‌احمر و دولت بنی‌زیان، خلافت مستنصر را به رسمیت شناختند و انبوهی از مردم با حمایت علما و فقه‌های بزرگ برای مقابله با سپاه صلیبی هشتم بسیج شدند، سپاه صلیبی که در تصرف اورشلیم با شکست مواجه شده بود، تحرکاتی را در مدیترانه غربی آغاز کرد؛ گویا یکی از علل این تحرکات صلیبی‌های در سواحل تونس انتقال مرکز خلافت اسلامی از بغداد به تونس بود که تحرکات دول مغربی در حمایت از بنی‌احمر و انجام عملیات بازپس‌گیری اندلس به‌ویژه بوسیله بنی‌حفص که خود را جانشین واقعی امپراطوری مغربی - اندلسی موحدین می‌دانست، را به همراه داشت. جنگ صلیبی هشتم که آخرین جنگ صلیبی است، با شکست قاطع لویی نهم و انعقاد پیمان صلح حفصیان^{۲۲} با فرانسه پایان گرفت. لویی نهم که در اثر طاعون در سواحل تونس به بستر مرگ افتاد در آخرین کلمات خود در آخرین نبرد صلیبی، چند بار گفت: آخ اورشلیم آخ اورشلیم (وست، جنگ‌های صلیبی ۹۵) و از دنیا رفت. رانسیمان از جنگ صلیبی هشتم به عنوان احمقانه‌ترین جنگ صلیبی یاد کرده است.^{۲۳}

پی‌نوشت

- ۱۳۴۶ - کورتاپ، آ، تاریخ قرون وسطی اسپین، ترجمه حقیقت خواه، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۳.
 - گروسه، رنه، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه شادمان، نشر و پژوهش روزفرزان، تهران، ۱۳۷۷.
 - گیبون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراطوری روم، ترجمه، فرنگیس شادمان، تهران، ۱۳۸۱، انتشارات علمی و فرهنگی.
 - لوکوف، ژاک، اروپا مولود قرون وسطی، ترجمه گیلانی، تهران، نشر کویر، ۱۳۸۷.
 - ماله آلبر، تاریخ قرون وسطی، ترجمه هژیر، کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵.
 - ممتحن، کلیات تاریخ عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
 - منسفیلد، پیتر، تاریخ خاورمیانه، مترجم اسپهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
 - نغنی، عبدالمجید، اروپا، تاریخ المعاصر اروپا، دار النهضة العربیه بیروت، بیتا.
 - وست، آنتونی، جنگ‌های صلیبی، ترجمه همایون نشر امیرکبیر، تهران، ۱۹۴۵ م.
 - ولز، هج، کلیات تاریخ، ترجمه رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۸۵.

- 1 -GARSOIAN
 2 -MANZI KERT
 3 -Gibon
 4 -VERDUM-L.SAULNIER
 5 - reconquista
 6 -spuller
 7 -conquista
 8 -castil
 9 corrick
 10 -edessa
 11 -saint sepulcle
 12 -campus stellae ؛ در متون اسلامی شنت یاقب
 13 -matamoros
 14 -bowsorth
 15 - پاسورث، ص ۱۴۱
 16 -foucher
 17 - cultural fusion
 18 -der in terran sanctan
 19 -peregrinatio, expedition
 20 -joshua prawer
 21 -klaniczai

- ۲۲ - شهیدی پاک، محمد رضا، فرهنگ و تمدن اسلامی در عهد حفصیان در افریقیه، ۱۳۸۳.
 ۲۳ - شهیدی پاک، محمد رضا، جنگ صلیبی هشتم، مجله تخصصی تاریخ اسلام، ص ۸

منابع

- آگیالووا، اوگ.م.دنسکوی؛ تاریخ سده‌های میانه، ترجمه رئیس نیا، انتشارات پیام تهران، ۲۵۳۷.
 - ادوارد، سعید، شرق‌شناسی، ترجمه کراهی، نشر فرهنگ، تهران، ۱۳۸۳.
 - اشیولر، برتولد، جهان اسلام، ترجمه آریان، تهران امیرکبیر، ۱۳۸۴.
 - ایزنهاور دوایت، حرب صلیبیه فی اروپا، ترجمه بالعربیه ابراهیم عبود، دارالنهضة العربیه، ط دوم، ۱۹۶۰ م.
 - بارکر، ارنست، الحروب الصلیبیه، نقله الی العربیه الدكتور سید الباز العربی، دار النهضة العربیه، ط ۴، بیروت.
 - تاریخ ایران دانشگاه کمبریج، گارسیان، مقاله بیژانس و ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳.
 - دانشگاه کمبریج، تاریخ اسلام، زیر نظر هولت، ترجمه احمد آرام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۸.
 - رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه طباطبائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
 - زابوروف، میخائیل، الصلیبیون فی الشرق، نقله الی العربیه الیاس شاهین، دارالتقدم مسکو، ۱۹۸۶.
 - سمیل، رسی، الحروب الصلیبیه، ترجمه بالعربیه شامی هاشم، کمبریج، ۱۹۴۵، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر.
 - سولینه، وردن، ادبیات فرانسه در قرون وسطی، ترجمه عبد الحسن زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
 - فوشه، میشل، جمهوری اروپا، ترجمه رضینی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی، تهران، ۱۳۸۵.
 - کاسمینسکی، تاریخ قرون وسطی، ترجمه انصاری، شرکت سهامی نشر اندیشه،